

## Economic Progress Strategy Inspired by Nahj al-Balaghah in pursuit of a Resilient Economy

Abolfazl Shahabadi<sup>1</sup>, Razieh Davarikish<sup>2</sup>, Mahdi Jafari<sup>3\*</sup>

1. Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Ph.D. Student in Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

3. Assistant Professor, Toloue Mehr Institute of Higher Education, Qom, Iran

(Received: May 31, 2018; Accepted: September 6, 2018)

### Abstract

Pattern compilation and islamic strategies for economic progress is the beginning to go a long and difficult way with a steady volition and endless effort. Considering that the duties and goals of governance from the perspective of Amiralmomenin (AS) and its philosophy is to serve the world and the hereafter of the people is summarised, therefore, continuous monitoring and evaluation of the economic progress strategy by the rulers provides the basis for the realization of economic progress and ultimately the resistive economy. It needs to focus on its strategic principles. In this regard, the valuable words of Amir al-Mu'minin (AS) in Nahj al-Balagha have been studied in two analytical and thematic methods. According to practical reasons Amiralmomenin (AS) economic justice, economic management, promotion and creation of knowledge and space for increasing the efficiency of individuals, poverty and the equitable distribution of income for economic welfare, management of capital and moderation in business, good governance and the creation of a suitable space for the growth of agricultural sectors, industry and services one of the strategic principles that can be applied to economic progress and the realization of a resilient economy. Therefore, in order to economic progress and economic achievements that are resistant to pressures, sanctions, hostilities and hostilities and mutual reciprocity with the global economy with modeling the style of government of Amiralmomenin provided the appropriate field for applying its strategies to take steps towards economic progress.

**Keywords:** Economic progress, Nahj al-Balaghah, Progress, Resilient economics.

---

\* Corresponding Author, Email: mahdi.jfr@gmail.com

## راهبرد پیشرفت اقتصادی با الهام از نهج البلاغه در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

ابوالفضل شاه‌آبادی<sup>۱</sup>، راضیه داوری کیش<sup>۲</sup>، مهدی جعفری<sup>۳\*</sup>

۱. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳. استادیار، مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

### چکیده

تدوین راهبرد اسلامی پیشرفت اقتصادی سرآغازی برای بیمودن راهی طولانی با عزمی استوار و تلاشی بی‌وقفه است. با توجه به اینکه وظایف و اهداف حاکمیت از منظر امیرالمومنین(ع) و فلسفه آن در خدمت به مردم و آخرت خلاصه می‌شود، نظارت و ارزیابی مداوم راهبرد پیشرفت اقتصادی توسط حکمرانان زمینه را برای تحقق پیشرفت اقتصادی و در نهایت، اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند. بنابراین، برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، تمرکز بر اصول راهبردی ضروری است. در این راستا سخنان گوهر بار امیرالمومنین(ع)، در نهج البلاغه به دو روش تجزیه‌ای و موضوعی بررسی شده است. طبق سیره عملی امیرالمومنین(ع) عدالت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، ترویج و ایجاد فضای علم و دانش برای افزایش میزان کارایی افراد، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد در به‌منظور رفاه اقتصادی، مدیریت بر سرمایه و اعتدال در تجارت، حکمرانی خوب و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات از جمله اصول راهبردی است که در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان اعمال کرد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر دستیابی به اقتصادی مقاوم در برابر فشار، تحریم، خصومت‌های شدید و وابستگی متقابل با اقتصاد جهانی است تا با الگوگیری از شیوه حکومتی امیرالمومنین(ع) زمینه مناسب را برای اعمال راهبردهای آن فراهم کند تا در راستای پیشرفت اقتصادی برای رسیدن به اقتصادی پایدار و در نهایت، قرب الهی گام بردارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت، نهج البلاغه.

## مقدمه

پیشرفت در بُعد اقتصادی، لازمه بقا و شکوفایی یک نظام اجتماعی و سیاسی است که با شاخص‌های متعددی از قبیل رشد تولید سرانه در جامعه، نرخ بیکاری، نرخ تورم، توزیع درآمد بین آحاد جامعه، متوسط میزان تحصیلات نیروی کار، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، امید به زندگی، میزان تولیدات فرهنگی، تأمین زندگی در زمان بازنشستگی و بیکاری سنجیده می‌شود. پیشرفت اقتصادی بیشتر در یک جامعه نسبت به جوامع دیگر نشان از توانمندی بیشتر نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بهبود وضع مردم آن جامعه دارد که موجب اعتماد به نفس جامعه و افراد آن می‌شود. پیشرفت اقتصادی موجب حفظ سرمایه‌های انسانی و جلوگیری از فرار مغزها، حتی جذب مغزهای خارج از کشور شده و سرمایه‌های انسانی جامعه را تقویت می‌کند که خود موجب پیشرفت بیشتر جامعه می‌شوند. همچنین، پیشرفت اقتصادی باعث افزایش توان مادی جامعه برای تقویت توان دفاعی، تقویت منابع مادی و انسانی برای پیشرفت فرهنگی و فکری جامعه می‌شود و شرایط بهبود زندگی خانواده‌ها و زمینه‌ساز تقویت بنیاد خانواده و کاهش فسادهای اخلاقی و مالی فراهم می‌کند. بنابراین، پیشرفت اقتصادی و راهبردهای آن می‌تواند به دستیابی با اقتصادی پایدار و مقاوم منجر شود. اقتصاد مقاوم در برابر فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید نقش بارزی در بنا نهادن جامعه‌ای آرمانی دارد تا آنجا که می‌توان آن را از اولویت‌های دنیای امروز برشمرد. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که به دنبال مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. در حقیقت، مکاتب مادی اقتصاد مقاومتی را دستیابی به تعدادی از هدف‌ها از قبیل افزایش بازدهی تولید، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین، کسب معارف و فهم مهارت‌های جدید، بهبود در رفع نهادها و یا بطور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگی سیاست‌های مختلف می‌دانند که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را

برطرف کند (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۵۶). جست‌وجو در متون اسلامی در این زمینه نیز نشان می‌دهد اسلام در پرداختن به مسائل و مباحث مربوط به اقتصاد مقاومتی، از همه مذاهب و مکاتب دیگر پیشی گرفته است (سمیعی، ۱۳۹۱، ص ۲۲). زیرا در مکتب اسلامی برخلاف مکاتب مادی، هدف فراتر از تحقق اقتصاد مقاومتی است و تلاش مکتب اسلام دستیابی به هدف غایی، قرب الهی است. امروزه اکثر کشورها با عدم پیشرفت اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی مواجهند، با اینکه راهبردهای پیشرفت اقتصادی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در مکتب مادی طی کرده‌اند، هنوز نتوانسته‌اند در سطح مناسبی از اقتصاد مقاوم ایده‌آل حاضر باشند.

امیرالمومنین (ع) در گنجینه علم ارزشمند خود راهبردهایی را برای محقق کردن اقتصاد مقاومتی در جامعه و در نهایت، دستیابی به پیشرفت، اصلاح و آبادی کشور و قرب الهی بیان کردند، از جمله اصول راهبردی پیشرفت اقتصادی امام (ع) می‌توان به عدالت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، ترویج و ایجاد فضای علم و دانش به منظور افزایش میزان کارایی افراد، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد برای رفاه اقتصادی، مدیریت بر سرمایه و اعتدال در تجارت، حکمرانی خوب و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات اشاره نمود که در تعامل با یکدیگر به تحقق اقتصاد مقاومتی در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی کشورها منجر می‌شود. زیرا اگر کشوری عدالت اقتصادی در آن اجرا، نظارت و برنامه‌ریزی توسط حاکمان برای مدیریت اقتصادی اعمال شود و جامعه در جهت توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی گام بردارد و افراد جامعه در جهت افزایش رفاه و میزان بهره‌وری به سمت علم و دانش سوق یابند و شرایط برای اصلاح و آبادی کشور و دستیابی به اقتصادی پایدار و استوار برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، فراهم می‌شود. همچنین، حکمرانان با حکمرانی خوب نیز می‌توانند برای گسترش و شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه حداکثر تلاش خود را کنند زیرا حکمرانی خوب با تقویت شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌تواند راهبردهای مناسب برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم‌شده ارائه دهد و زمینه را برای کنترل و

بی‌اثر کردن آن تحریم‌ها فراهم کند و در شرایط آرمانی به تبدیل چنین فشارهایی به فرصت منجر شود. بنابراین، ضرورت اقتصاد مقاومتی برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز توجه به راهبردهای اقتصادی است که در یک بنگاه اقتصادی یا در یک ساختار کلان اقتصادی مانند اقتصاد ملی یک کشور، ساختار و مدل اقتصادی را آنچنان طراحی، بازتعریف و بازسازی کند که متغیرهای کلیدی اقتصاد بتواند در مقابل تکانه‌های ناخواسته و حتی خواسته یا همان تعمدی، حداکثر کارایی خود را بدون از دست دادن تعادل سیستم حفظ کنند یا حداقل نقطه تعادل جدیدی برای سیستم اقتصادی با کمترین خطای حالت ماندگار باز تولید شود. البته باید توجه کرد که هرچه این نقطه تعادلی جدید در کمترین زمان ممکن حاصل شود بهتر است. بنابراین، متناسب با ضعف‌هایی که در دستیابی به اقتصاد مقاومتی و پیشرفت اقتصادی در کشورهای اسلامی وجود دارد، ضروری است این پژوهش مطابق با سخنان گوهربار امیرالمومنین(ع) و با توجه به راهبردهایی ایشان درصدد حل موضوع باشد تا از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که ممکن است در عدم دستیابی به اقتصاد مقاومتی و پیشرفت اقتصادی پیش آید، ممانعت به عمل آورد و توصیه‌های سیاستی به سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای اسلامی به‌منظور دستیابی به اقتصاد مقاومتی ارائه شود. بنابراین، در ادامه ضمن پرداختن به پیشینه تحقیق، راهبرد پیشرفت اقتصادی برای محقق‌شدن اهداف اقتصاد مقاومتی با الهام از نهج‌البلاغه بررسی می‌شود و در نهایت، جمع‌بندی و پیشنهادهایی با تأسی از شیوه‌های حکومتی امیرالمومنین(ع) برای دستیابی به اهداف و پیشرفت حکومت اسلامی ارائه می‌شود.

### مبانی نظری

با توجه به اهمیت پیشرفت اقتصادی، یکی از دغدغه‌های مهم جامعه و مدیران توجه به راهبرد پیشرفت اقتصادی است که زمینه دستیابی به اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌کند. در سخنان امیرالمومنین(ع) معادل عربی پیشرفت، رشد دادن و افزایش تدریجی برابر با «تمیه» است. منظور امام از «کم» و «اندک» در عبارت: «الاقتصاد ینمی اللیل»، میانه‌روی (کم) را زیاد می‌کند (پیشرفت می‌کند) (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۱۵)، و در جایی دیگر: «الاقتصاد ینمی الیسیر»، میانه‌روی (اندک) را

می‌افزاید (پیشرفت می‌کند) (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۱۵). در سخنان امیرالمؤمنین(ع) «تثمیر» به مفهوم توسعه و پیشرفت و منظور از آن، استفاده از منابع موجود برای رسیدن به بیشترین مقدار ثروت است که در حکمت ۳۸ نهج‌البلاغه این گونه به کار برده شده است: «و بعضهم یحب تمثیر المال»، بعضی بارورساختن مال را می‌پسندند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۹). یعنی باید مال و ثروت در مسیر سرمایه‌گذاری، اصلاح و آبادانی کشورها قرار گیرد تا حداکثر ثمرات از آن به دست آید.

بنابراین، پیشرفت از نظر امیرالمؤمنین(ع)، افزایش سرمایه و منابع است که از طریق کار بر روی آن حاصل می‌شود و فرابندی که بهبود کیفیت زندگی، تغییر سطح برخورداری و فهم انسان از منابع طبیعی و کرامت‌های انسانی برای رسیدن به ظرفیت بالاتر و متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی سیاسی، فرهنگی، انسانی بوده و انسان در این جریان می‌تواند به تعالی و کمال برسد. از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)، پیشرفت چندین بعد دارد که پیشرفت اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد آن، برای دستیابی به سایر ابعاد پیشرفت است.

از دیدگاه اسلام خصایص و ویژگی‌های عمده پیشرفت اقتصادی، نخست، چندبعدی بودن آن در جست‌وجوی ایجاد توازن بین عوامل و نیروهای مؤثر بر جریان پیشرفت اقتصادی است که به واسطه افزایش بهره‌وری، کالاها و خدمات بیشتری عاید مردم شده است و بدین وسیله رفاه عمومی امت اسلامی افزایش پیدا می‌کند؛ دوم، موجب کاهش نابرابری‌ها و انهدام آثار فقر در جامعه می‌شود، در حقیقت، رفاه در این بینش دارای هدف دنیوی و اخروی است (پوریانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۹). که با توسل بر راهبرد پیشرفت اقتصادی می‌توان به جامعه‌ای با اقتصاد مقاوم دست یافت، به تفسیری کشورها با توجه به راهبردهای پیشرفت اقتصادی می‌توانند در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی گام برداشته و با تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن آن در جهت تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی حرکت کنند، و در آن راستا وابستگی‌های خارجی را کاهش دهند و با توسل بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی حرکت کنند. بنابراین، ضرورت دارد، مقاومت برای کاهش فشارهای اقتصادی و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی با تمرکز بر راهبرد پیشرفت اقتصادی

فراهم باشد. بنابراین، امیرالمؤمنین(ع) برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی دوران حکومتش توجه بسزایی به راهبرد پیشرفت اقتصادی، در راستای اصلاح و آبادانی کشور داشتند (قمی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۰)، و از روزهای آغازین حکومت، اهداف اقتصادی را پایه‌گذاری کردند تا در چارچوب این اهداف زمینه دستیابی به پیشرفت اقتصادی را با تمرکز بر راهبردها برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم کنند.

بنابراین، با توجه به نقش کلیدی پیشرفت اقتصادی و اهداف آن باید راهبرد دستیابی با آن در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی نیز مورد توجه قرار گیرد که امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه، راهبردهایی را برای دستیابی به اصلاح و آبادی کشور و در نهایت قرب الهی اذعان داشته، از جمله اصول راهبردی آن حضرت عدالت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، ترویج و ایجاد فضای علم و دانش به منظور افزایش میزان کارایی افراد، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد به منظور رفاه اقتصادی، مدیریت بر سرمایه و اعتدال در تجارت، حکمرانی خوب و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات است. اگر در کشوری عدالت اقتصادی اجرا، نظارت و برنامه‌ریزی توسط حاکمان برای مدیریت اقتصادی اعمال شود و جامعه برای توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی گام بردارد و افراد جامعه در جهت افزایش رفاه و میزان بهره‌وری به سمت علم و دانش سوق یابند و حکمرانان با حکمرانی خوب برای گسترش و شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه حداکثر تلاش خود را کنند تا شرایط را برای تقویت اقتصاد درون‌زا با کمترین وابستگی به دنیای خارج و افزایش استقلال اقتصادی کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی مهیا کنند تا در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و تهدید به تحریم به سمت اقتصاد مقاومتی و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی حرکت کنند.

### پیشینه پژوهش

در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین تحقیقات داخلی پیرامون عوامل مؤثر بر اصول راهبردی پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی با الهام از امیرالمؤمنین(ع) پرداخته می‌شود.

شاه‌آبادی و زرین نعل (۱۳۹۸) تأثیر مؤلفه‌های دانش را بر اقتصاد مقاومتی از منظر نهج‌البلاغه بررسی کرده‌اند، نتایج نشان می‌دهد، شاخص‌هایی مانند مردمی‌کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد، حمایت از تولید داخلی و از همه مهم‌تر اقتصاد دانش‌بنیان را می‌توان از جمله مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دانست. به دلیل آنکه پیاده‌سازی ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی فقط در فضای اقتصاد دانش‌بنیان امکان‌پذیر می‌شود.

ستوده‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر بلندمدت و کوتاه‌مدت سیاست‌های پولی و مالی را بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۷ (با وجود شاخص‌های منتخب اقتصاد مقاومتی) بررسی کردند، نتایج، نشان از وجود رابطه بلندمدت میان رشد اقتصادی و سایر متغیرهای مدل داشته و حاکی از آن است که با عنایت به هدف تأکیدشده در اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی مبنی بر حفظ روند رشد اقتصادی، ضریب پراکندگی نرخ رشد اقتصادی که حاکی از نوسان (ثبات یا بی‌ثباتی) اقتصادی است به عنوان متغیر عنوان سیاست مقاومت اقتصادی، حجم پول و درآمد مالیاتی تأثیر مثبت و نرخ ارز، نرخ بهره بانکی و متغیر مجازی جنگ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین، ضریب جمله تصحیح خطا برابر با  $(-0/58)$  برآورد شده است، یعنی در هر دوره حدود ۵۸ درصد از عدم تعادل ایجادشده در متغیر وابسته از مقادیر تعادلی بلندمدت، در دوره بعد تعدیل شده و از بین می‌رود.

محمدی سیاهبومی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر مثبت و معنادار مدیریت جهادی بر تحقق اقتصاد مقاومتی، که راهبردی مناسب برای پاسخگویی به این مشکلات است، تدوین شد. ضریب مسیر بین مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی معادل ۹۶ درصد مؤید این مطلب است که مدیریت جهادی (متغیر مستقل) به میزان ۹۰ درصد از تغییرات اقتصاد مقاومتی (متغیر وابسته) را تشریح می‌کند.

احمدی شادمهری و پورلداری (۱۳۹۶) نقش بهره‌وری بخش کشاورزی را در تحقق اقتصاد مقاومتی بررسی کردند، و نشان دادند افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی موجب افزایش ارزش افزوده این بخش و به تبع آن تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کیفیت



محصولات می‌شود و نتیجه آن رشد انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و افزایش صادرات این بخش و در نهایت، رشد و توسعه بخش کشاورزی و عملی‌شدن یکی از اصلی‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی است.

رائی و زنوری (۱۳۹۵) مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی ایران را با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه، طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۴۴ بررسی کردند. نتایج نشان داد در کوتاه‌مدت و بلندمدت نسبت درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشور دارد، اما مخارج دولت تأثیر بلندمدت معناداری بر رشد اقتصادی ندارد. بنابراین، نتایج برقراری یک مؤلفه اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران را تأیید می‌کند. ولی برقراری دو مؤلفه دیگر اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران را تأیید نمی‌کند.

اسدی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد مقاومتی را محصول اقتصاد اسلامی دانست و تصریح کرد که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی خواهد بود؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم و مکتب اقتصادی را همزمان دارد.

میرجلیلی و جلالی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به اقدامات اقتصادی امام علی(ع) در راستای اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنند؛ امام علی(ع) ابتدا از طریق موعظه و راهنمایی مردم به رعایت احکام و قوانین الهی، آن‌ها را به اقتصادی پویا دعوت کرد. سپس، با ارائه الگوی عملی در زندگی خویش، مانند کم‌مصرف‌کردن، تلاش بی‌وقفه در تولید و بذل درآمد تولیدات در راه خدا، اجراپذیری این قوانین الهی را به مردم اثبات کردند. ایشان با مراقبت بر بازار از آسیب‌هایی که متوجه اقتصاد می‌شد، جلوگیری می‌کردند که این آسیب‌ها عبارت است از به بیگاری‌گرفتن مردم، استثمار ضعیفان توسط ثروتمندان و آکلان اقتصادی، مکر و حيله‌گری در خرید و فروش، احتکار، کم‌فروشی، واسطه‌گری، نسبه‌خریدن، قسم‌خوردن در معاملات. امام علی(ع) اصلاح امور و رفع نیاز مردم، اداره و دوام حکومت، تقویت نیروهای مسلح را از آثار استفاده بهینه از بیت‌المال می‌دانستند و همواره به حفظ بیت‌المال، برخورد قاطعانه با خیانت‌کنندگان به بیت‌المال و استرداد

اموالی که به ناحق از بیت‌المال خارج شده، سفارش می‌کردند. از دیگر اقدامات ایشان در راستای اقتصاد مقاومتی می‌توان توجه به عمران و آبادانی، تأمین اجتماعی و جلوگیری از رشد انگل‌های اقتصادی را نام برد.

مولایی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای هدف نهایی از تجارت و کسب‌وکار را رضایت الهی و رفع نیازهای ضروری و اساسی جامعه دانست و تصریح کرد برخورداری از سود عادلانه در نگرش اسلامی با ترویج اخلاق تجاری و واردکردن معنویات به همراه کسب سود در تجارت امکان‌پذیر است و سخنان و سیره امام علی(ع) بهترین راهکار برای رعایت اصول اخلاق تجاری در جامعه اسلامی است.

سمیعی (۱۳۹۱) عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی را از نگاه امام علی(ع) مطالعه کرده، و اذعان کرده است، موارد سازگاری که در زمینه عوامل توسعه اقتصادی، بین نظرات امام(ع) و نظریه‌پردازان اقتصاد متعارف دنیا وجود دارد، نشأت گرفته از پیشرفت علم اقتصاد است و مهم‌ترین عامل تفاوت و ناهمخوانی بین توسعه اقتصادی از منظر امام علی(ع) با اقتصاد متعارف ناشی از تفاوت در مبانی، اهداف، اخلاق و ارزش‌ها، آزادی اقتصادی و منافع فرد و جامعه است.

نظری (۱۳۸۵) اصول راهبردی توسعه اجتماعی - اقتصادی پرداخته و براساس بیانات امیرالمؤمنین(ع) اظهار می‌کند عدالت اجتماعی بستر اعتماد ملت را به حاکمیت فراهم می‌کند و در سایه این اعتماد، حاکمیت می‌تواند اصول راهبردی خود را در روابط اجتماعی، اقتصادی جامعه عملی سازد، استصلاح مردم و تربیت نیروی انسانی مناسب، شکوفایی بخش‌های مهم اقتصادی جامعه را به دنبال دارد. با شکوفایی این حوزه‌های تأثیرگذار از طریق مشارکت بخش خصوصی، درآمد افراد جامعه افزایش یافته و رفاه عمومی به طور نسبی رشد می‌یابد.

پوریانی (۱۳۸۰) توسعه از دیدگاه امام علی(ع) را بررسی کرده است و متناسب با نتایج پژوهش بیان می‌کند، توسعه، میزان بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعدادهای نیروی انسانی هر جامعه است و میزان بهره‌گیری از منابع انسانی یکی از شاخص‌های اساسی در جهت ایجاد فرصت‌های مناسب توسعه است که زمینه مشارکت عادلانه همه اقشار جامعه را فراهم کرده و از مزایای اجتماعی، اقتصادی آن بهره‌مند می‌کند.

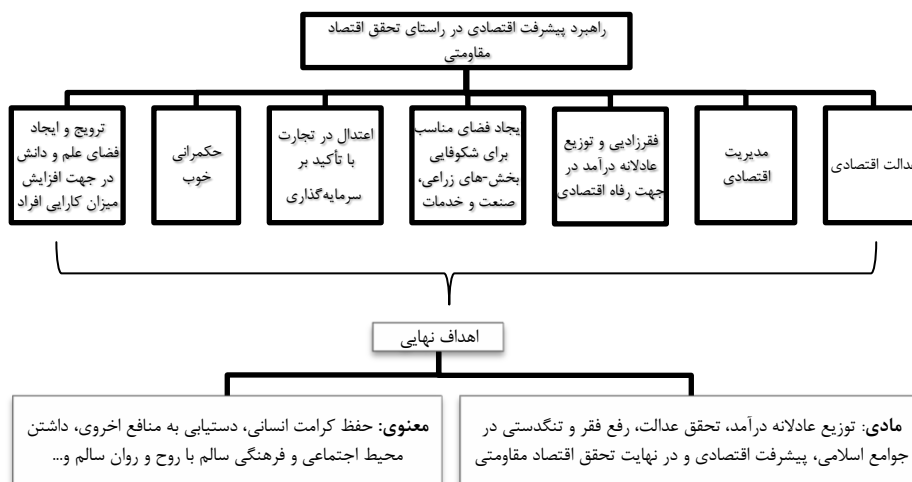
مطابق با مطالعات یادشده، تحقق اقتصاد مقاومتی یکی از اهداف اساسی جامعه اسلامی است، اما با توجه به اهمیت آن و ضعف کشورهای اسلامی در دستیابی به اقتصاد مقاومتی هنوز مطالعه‌ای در زمینه اصول راهبردی پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مطابق بیانات امیرالمؤمنین(ع) تبیین نشده است. بنابراین، این پژوهش در نظر دارد با مراجعه بر سیره حکومتی امیرالمؤمنین(ع) که عمل به دستورات الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اصول راهبردی در جهت دستیابی به اقتصاد مقاومتی کشورهای اسلامی ارائه دهد.

### روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا راهبرد پیشرفت اقتصادی بررسی می‌شود که شامل عدالت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، ترویج و ایجاد فضای علم و دانش به منظور افزایش میزان کارایی افراد، فقرزادگی و توزیع عادلانه درآمد در جهت رفاه اقتصادی، مدیریت بر سرمایه و اعتدال در تجارت، حکمرانی خوب و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات است. و بعد از آن، تأثیر هر یک از راهبردها برای تحقق اقتصاد مقاومتی به دو روش تجزیه‌ای و موضوعی با تأسی از سخنان و شیوه‌های حکومتی امام علی(ع) بررسی شده است.

### یافته‌ها

با توجه به بیانات امیرالمؤمنین(ع) برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، توجه به اصول راهبرد پیشرفت اقتصادی ضروری است که امروزه اصول راهبردی دستیابی به اقتصاد مقاوم در مقابل فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و... یکی از مهم‌ترین مطالعات انتقادی در حوزه استراتژی‌های پیشرفت اقتصادی است که از منظر امیرالمؤمنین(ع) این اصول راهبردی در شکل نمودار سازمانی (شکل ۱) ارائه شده است.



شکل ۱. راهبرد پیشرفت اقتصادی با الهام از امیرالمومنین (ع) در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی (برگرفته از نهج‌البلاغه)

با مشاهده نمودار سازمانی شکل ۱ می‌توان دریافت، هفت راهبرد بیان‌شده، از جمله اصول راهبردی پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و در نهایت، قرب‌الهی است، همچنین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد، همچنین، اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند که در ابلاغیه‌ی رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان می‌کنند که ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و

اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وامی‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. لذا ایشان با الهام از نظام اسلامی و بیانات امیرالمؤمنین (ع) راهبردها و سیاست‌های با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین، با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی و بیانات گوهربار امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه، می‌توان بیان کرد، گسترش و بهبود هر یک از راهبردهای مذکور در جدول ۱ شرایط را برای کاهش وابستگی‌ها و دستیابی به مزیت‌های تولید داخلی، خوداتکایی و اصلاح و آبادانی کشورهای اسلامی را فراهم می‌کند. بنابراین، در ادامه قطره‌ای بسیط از دریای بی‌کران امیرالمؤمنین (ع) را با بررسی سازوکار اثرگذاری هر یک از راهبرد پیشرفت اقتصادی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

## ۱. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی از مظاهر عدالت اجتماعی، به معنای «رعایت استحقاق‌ها و دادن حقوق اقتصادی افراد» است (آمدی تمیمی، ۱۳۷۷، ج ۱ و ۲). امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۱۵ درباره عدالت اقتصادی

۱. بیانات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای موجود است.

می‌فرمایند: «به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم... زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمّل ستم برای او سخت‌تر است» (دشتی، ۱۳۸۹، ۳۹). بنابراین، امیرالمؤمنین(ع) در بیانات خود به اقامه عدل و قسط اقتصادی در جامعه انسانی تأکید دارند و هدف از استحقاق حقوق اقتصادی جامعه را تأمین مصالح و پیشرفت اقتصادی و تکامل معنوی انسان‌ها و تقرب به درگاه الهی می‌دانند. در حقیقت، طبق نمودار سازمانی (شکل ۲) رعایت استحقاق افراد جامعه زیرمجموعه نظام اخلاق اسلامی است و احکام حقوق اقتصادی افراد جامعه در صورتی که به قصد نیل به کمال و سعادت اخروی انجام نپذیرد، فقر و تنگدستی بر افراد جامعه حاکم شده و عده معدودی از افراد جامعه از نعمت‌های الهی بهره خواهند برد و این زمینه‌های عدم دستیابی به اقتصاد مقاوم در برابر سختی‌ها و فشارهای اقتصادی را منجر خواهد شد. به بیان دیگر بی‌عدالتی در جامعه فضای داخلی، کشور را برای داشتن اقتصاد مقاوم در برابر فشارهای اقتصادی از سوی سایر کشورهای را دچار تنش کرده و از این طریق نمی‌تواند وابستگی‌های خارجی کشورها را برای رونق بخش تولیدی کاهش دهد، زیرا این کشورها با بی‌عدالتی فضای بخش تولیدی را ناامن کرده‌اند و به اتلاف منابع به‌ویژه مؤلفه‌های دانش از جمله سرمایه انسانی و استفاده نامطلوب از تمام استعدادها و خدادادی منجر می‌شوند که به دنبال آن خوداتکایی در سطح مطلوبی برای کشورها برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی رخ نمی‌دهد.

امیرالمؤمنین(ع) که حکومتش رنگ عمل به دستورات الهی و اسلامی داشت، در قبال درخواست بی‌عدالتی اقتصادی می‌فرمایند: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم به خدا سوگند... هرگز چنین کاری نخواهم کرد» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). بنابراین، چنین برداشت می‌شود بی‌عدالتی در عملکرد کشورها تأثیر گذاشته و شرایط را برای «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی را تضعیف می‌نماید که آن حضرت برای جاری شدن عدالت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی جامعه اسلامی طبق نمودار سازمانی شکل ۲ به لازمه‌های اجرایی از قبیل مراعات انصاف توسط حاکمان، ممانعت از ظلم و

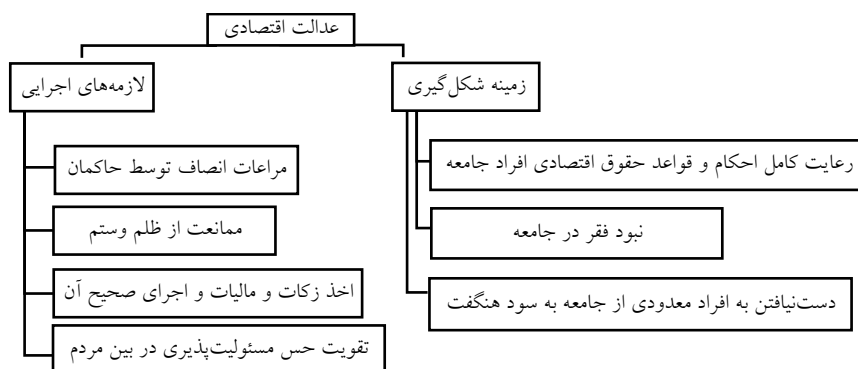
ستم، اخذ زکات و مالیات و اجرای صحیح آن و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در بین افراد جامعه اشاره می‌کند. مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد جامعه به منظور رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط توسط حاکمان است که هر امری را در جای خود، متناسب با حقیقت می‌نهد تا شرایط جامعه به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی از سوی کشورهای بیگانه مقاوم شود.

همچنین، امیرالمؤمنین(ع) برای دستیابی به عدالت اقتصادی مبارزه با ظلم و ستم در امور مختلف را بر مسلمانان واجب دانسته است و به حاکمان سفارش نمودند تا برای رسیدن به اصلاح و آبادانی کشورها و محقق‌شدن اقتصاد مقاومتی نه فقط به افراد جامعه ظلم نکنند، بلکه در برابر ظالمان ایستادگی و با آنها مقابله کند و در این زمینه می‌فرمایند: «خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق او را بازستانم(دشتی، ۱۳۸۹، ص ۶۳). همچنین، در خطاب به برادرشان عقیل در خطبه ۲۲۴ متذکر می‌شوند، رعایت حقوق مظلومین و ممانعت از هرگونه ظلم و ستم را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهند (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۸).

یکی دیگر از لازمه‌های اجرای عدالت اقتصادی در حکومت علوی، اخذ مالیات، زکات و اجرای صحیح آن است (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۳)، که هدف اصلی آن تزکیه باطنی افرادی است که به دیگران کمک اقتصادی می‌کنند و تقرب الی الله، تکامل روحی آنان، تصفیه اموالشان و تقویت حس برادری میان افراد جامعه است، به تفسیری، پرداخت زکات و خمس علاوه بر جنبه اقتصادی، بُعد عبادی نیز دارد که مصارف آنان در جهت تأمین عدالت اقتصادی است. دین اسلام به لحاظ آنکه دینی جامع و همه جانبه است، در احکام و تعالیم خود درصدد اجرای لازمه‌های اجرایی عدالت اقتصادی که ایجاد وحدت در جامعه اسلامی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری و برادری بین افراد جامعه است زیرا در جامعه‌ای، افراد بدون اقدام مناسب از کنار فقرا و محرومان عبور کنند، پس از مدتی نسبت به آنان بی تفاوت شده و محرومیت آنان برایشان امری عادی جلوه می‌کند و در نهایت، شرایط برای ایجاد اقتصاد مقاومتی فراهم نمی‌شود تا بخش تولیدی بتواند در برابر دنیای خارج در جهت خود اتکایی و کاهش وابستگی گام بردارد. لذا، با تقویت این لازمه اجرایی شرایط

برای اجرای عدالت اقتصادی فراهم شود، تا همه خود را ملزم کمک به دولت اسلامی دانسته و نسبت به رفع محرومیت اقدام عاجل به عمل آورند تا دارای اقتصاد مقاوم در برابر تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی باشند. بنابراین، متناسب با بیانات آن حضرت می‌توان بیان کرد اهداف عدالت اقتصادی به منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برای تحقق اقتصاد مقاومتی برقرار می‌شود. در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه کسب کنند و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف آن گام بردارند و تفاوت ناشی از این امر، مسئله نامقبولی نخواهد بود.

همچنین امیرالمؤمنین (ع) نقش عدالت اقتصادی در سعادت اخروی افراد می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌های ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست‌تر است» (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۹). بنابراین، می‌توان متذکر شد، روش‌های اجرایی یادشده از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) می‌تواند عدالت اقتصادی را بر جامعه اسلامی حاکم ساخته و با محقق کردن اقتصادی مقاوم در برابر تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی شرایط را برای سعادت اخروی و دنیوی افراد جامعه فراهم کند.



شکل ۲. عدالت اقتصادی (برگرفته از نهج‌البلاغه)



## ۲. مدیریت اقتصادی

یکی از اصول راهبرد پیشرفت اقتصادی در هر جامعه برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، بهره‌گیری از مدیریت شایسته و کارآمد اقتصادی است. این مدیریت در نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مبانی و مؤلفه‌هایی است که سیره و سخن امیرالمؤمنین(ع) یکی از بهترین منابع شناسایی و استخراج آن‌هاست که در این میان، برای مدیریت علمی و صحیح، نظارت، تنبیه و تشویق‌های امام سازنده بود، زیرا نظارت به عنوان یک اصل اساسی در امور کارگزاران به تحقق اقتصاد مقاومتی منجر می‌شود، به گونه‌ای که شرایط را برای کارگزاران اهمال‌کار تنگ می‌کند و باعث تشویق کارگزاران وظیفه‌شناس می‌شود و اگر نظارتی بر امور کارگزاران صورت نگیرد، کارگزار با وجدان و وظیفه‌شناس نسبت به مسولیت خود بی‌رغبت شده و و کارگزاران اهمال‌کار نسبت به کار خود تمایل بیشتری می‌یابند و این موجب کاهش کارآمدی و اثربخشی می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) نیز این نکته را در کتاب روشن و راهگشا خود خطاب به مالک اشتر اذعان کردند: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفای‌پیشه بر آنان بگمار که مراقب و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی خیانت کرده او را با تازیانه کیفر کن و از آن چه در اموال در اختیار دارد باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت‌کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیافکن» (دستی، ۱۳۸۹، نامه ۵۳، صص ۷۲-۷۸). در واقع، امیرالمؤمنین(ع) در این خطبه، به نظارت بر امور کارگزاران اشاره کرده‌اند و بیان می‌دارند برای اصلاح و آبادانی جامعه و داشتن اقتصادی مقاوم‌تر، نظارت پنهانی بین کارگزاران از اولویت‌های مدیریت اقتصادی است و نظارت‌کنندگان باید دارای خصوصیتی از قبیل راستگویی و وفاداری باشند. حال اگر یک کارگزار نسبت به مسئولیت خویش کوتاهی کند، وظیفه حاکم است که متناسب با روش‌های تنبیه و توبیخ با کارگزار خیانت‌کار اقتصادی یا غیراقتصادی برخورد کند. از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) عزل از منصب، کیفی‌های روحی و جسمی از روش‌های تنبیه کارگزار خیانت‌کار است و در نامه ۷۱ نیز ایشان به این نوع از روش تنبیه و توبیخ

خطاب به منذر بن جارود عبیدی اشاره دارد: «همانا شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین و گمان کردم مانند پدرت می‌باشی و راه او را می‌روی، ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آباد می‌کنی و برای پیوستن با خویشاوندانت از دین خدا بریده‌ای، اگر از آنچه به من گزارش رسیده درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود یا شریک در امانت باشد، یا از خیانتی دور ماند، پس این نامه دست تو رسد نزد من بیا» (دستی، ۱۳۸۹، نامه ۷۱). در حقیقت، امیرالمؤمنین(ع) بعد از مطلع شدن از خیانت فرماندهان توسط ناظر پنهان، در خصوص صحت خبر تحقیق و بازخواست کرده و در صورت صحت آن؛ حضرت، فرماندار خیانت‌کار را عزل کرده و عذاب آخرت را به ایشان یادآوری می‌کرد و ایشان را از بند کفش بی‌ارزش‌تر می‌دانست. در بیاناتی دیگر امیرالمؤمنین(ع) درباره تشویق کارگزاران خطاب به مالک اشتر فرموده: «پس آرزوهای سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وادار می‌دارد، ان‌شالله» (دستی، نامه ۵۳، ص ۶۰). در این نامه ره‌آورد تشویق نیروهای عمل‌کننده را متذکر می‌شود که می‌توان دریافت، نظام تنبه و تشویق، رغبت کارگزاران با وجدان را افزایش و از اهمال کارگزاران خیانت‌کار در جهت کارایی و اثربخشی ممانعت به عمل می‌آورد و زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند.

بررسی دقیق و جامع در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد، سه حوزه اقتصادی: تولید، توزیع و مصرف، در کنار دو اصل مدیریتی: برنامه‌ریزی و نظارت، مؤلفه‌های مدیریت اقتصاد علوی(ع) را تشکیل می‌دهد، وجود برنامه مشخص در جهت تأمین منابع مالی بخش تولید و توزیع این منابع در راستای اصلاح و آبادانی کشورها و نظارت شایسته بر بخش تولید، توزیع و مصرف از زمینه‌های شکل‌گیری این راهبرد از پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است.

طبق نمودار سازمانی شکل ۳ از منظر امیرالمؤمنین(ع) اصلی‌ترین لازمه‌های اجرایی مطرح‌شده

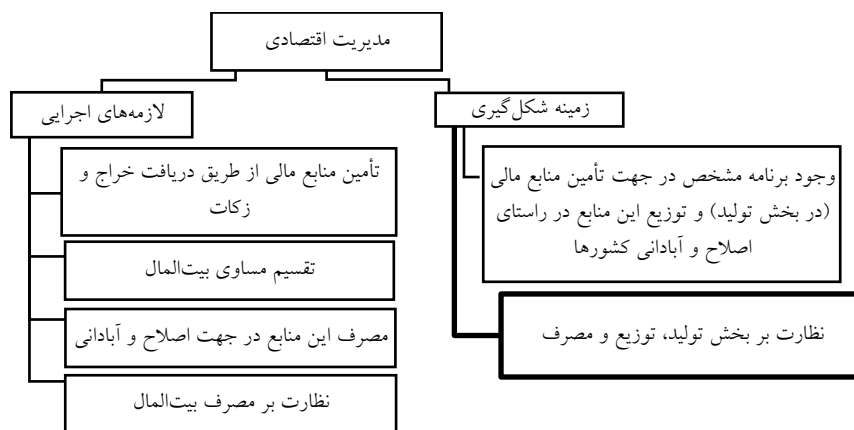
در جهت برنامه‌ریزی این راهبرد از پیشرفت اقتصادی در بخش تولید ثروت: تأمین و مدیریت بر منابع مالی از طریق دریافت خراج و زکات، در زمینه توزیع درآمد: تقسیم مساوی بیت‌المال و در زمینه مصرف: توجه به عمران و آبادانی است (شجاعی حقیقی، ۱۳۹۳، ص ۱) و نظارت بر تقسیم و مصرف بیت‌المال، از لازمه‌های اجرایی مدیریت اقتصادی است که امیرالمؤمنین(ع) در بخش تولید ثروت و تأمین منابع مالی با نظارت و برنامه‌ریزی از طریق دریافت خراج و مالیات در جهت اصلاح و آبادانی کشور و پیشرفت اقتصادی برای داشتن اقتصادی استوار و مقاوم در برابر فشارها و سختی‌های اقتصادی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نشود و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند...» (دستی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸). بنابراین، از سخنان گوهربار آن حضرت می‌توان دریافت، خراج و مالیات تأثیر بسزایی در محقق‌شدن اقتصاد مقاومتی دارند، زیرا دریافت مالیات موجب می‌شود در برابر فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید استوار و پایدار بود. بنابراین، چنین ناملایماتی با دریافت خراج و مالیات و استفاده صحیح آن در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی منجر می‌شوند کشور تعادل خود را از دست ندهد. همچنین امیرالمؤمنین(ع) در نامه ۴۳ خطاب به مصلقله بن هبیره‌شیبانی، فرماندار فیروزآباد، توزیع درآمد و تقسیم مساوی بیت‌المال را این گونه بیان داشته‌اند: «خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو را برگزیدند، می‌بخشی به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیانکارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (دستی، ۱۳۹۰، ص ۳۹۳).

بنابراین، امیرالمؤمنین(ع) علاوه بر جمع‌آوری خراج و مالیات تأکید بسزایی بر توزیع عادلانه بیت‌المال دارند و بر این معتقدند که تنها جمع‌آوری خراج و مالیات نیست که به اصلاح و آبادانی کشورها و داشتن اقتصادی مقاوم و پایدار در برابر ناملایمات و در نهایت دستیابی به تقرب الهی منجر می‌شود، بلکه نحوه مصرف آن با برنامه و نظارت در جهت توزیع عادلانه آن بین اقشار جامعه، عدم تخطی و فساد از مهم‌ترین راهبرد پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است و بدین ترتیب امام(ع) راهکار اهمال‌کاری را در تنبیه و توبیخ‌هایی که تعیین کرد، بیان داشت تا هیچ‌گونه سستی در امور رخ ندهد و متقابلاً با تشویق زمینه را برای کارایی و ارتقای بهره‌وری نیروی کار فراهم می‌کرد. به طوری که در جایی دیگر امیرالمؤمنین(ع) در خصوص وظیفه حاکمان در نظارت و برنامه‌ریزی بر خراج می‌فرمایند: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد... باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد» (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۳).

بنابراین، مطابق با این بیانات و همچنین در نامه ۵۳ که پیش‌تر در زمینه نقش حاکمان اسلامی در نحوه جمع‌آوری و راه‌های مصرف مالیات‌ها برای رسیدن به عمران و آبادانی و اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) مطرح شد، نظارت و برنامه‌ریزی بر بخش تولید، توزیع و مصرف از وظایف کارگزاران است که باید در جهت توزیع عادلانه بیت‌المال برای مدیریت شایسته و کارآمد اقتصادی گام بردارند، تا با وجود فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید بتوانند اقتصاد داخل را با مدیریت بر توزیع عادلانه درآمد استوار و مقاوم نمایند. همچنین، در جای دیگر امیرالمؤمنین(ع) در زمینه نظارت و برنامه‌ریزی بر منابع مالی در جهت مدیریت اقتصادی در نامه ۴۰ می‌فرمایند: «به من خبر رسیده که کشت زمینها را برداشته و آن چه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۹).

بنابراین، با برآیندی کلی بر مدیریت اقتصادی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی، پیشرفت اقتصادی و آبادانی کشور از دیدگاه نهج‌البلاغه می‌توان به این نتیجه رسید، دوران حکومت امیرالمؤمنین(ع) دارای برنامه‌ای مشخص برای مدیریت منابع اقتصادی بوده و همواره ایشان توجه ویژه‌ی به مقوله

نظارت بر منابع حاصل از خراج و مالیات برای تحقق بهتر اهداف اقتصاد مقاومتی داشته‌اند، زیرا اگر برنامه‌ریزی و نظارت بر بخش تولید، توزیع و مصرف صورت نگیرد، استفاده از منابع به صورت ناکارا در جهت اصلاح و آبادانی بی‌فایده خواهد بود و اقتصاد در برابر ناملاهیات خارجی ضعیف عمل خواهد کرد و در برابر تلنگرهای کوچکی از فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید عکس‌العمل نشان خواهد داد و به دنبال آن وابستگی خارجی و خوداتکایی ناصحیح تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.



شکل ۳. مدیریت اقتصادی (برگرفته از نهج‌البلاغه)

### ۳. ترویج و ایجاد فضای علم و دانش در جهت افزایش میزان کارایی افراد

یکی از اصول راهبردی مهم پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی علم‌گرایی و مدیریت صحیح بر آن است. همان‌طور که در قرآن کریم مطرح شده است: «قل هل یستوی الاعمی و البصیر» (انعام: ۵۰؛ رعد: ۱۶)؛ بگو آیا نابینا و بینا برابرند؟ افراد واجد علم و فاقد علم مساوی نیستند. جوامع علم‌گرا و جوامع علم‌گریز از هم متمایزند و این تمایز محصولی است که هریک از این عناصر یعنی علم و جهل از خود به‌جای می‌گذارند. در حقیقت، استواربودن اقتصاد بر پایه علم، مدیریت و به‌کارگیری ابزارهای صحیح علمی بر آن در راستای گسترش بسترهای علم و

دانش به افزایش قدرت رقابت‌پذیری و استقلال اقتصادی و... منجر می‌شود کشور در برابر تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی کشورها مقاوم عمل کنید و در برابر آن عکس‌العمل سازنده در جهت پیشرفت اقتصادی کشورها داشته باشند. در واقع، به‌وضوح می‌توان دید در جوامعی که به ارزش علم و دانش و مدیریت صحیح و علمی بر آن پی برده و دست یافتن به علوم را جزء برنامه خود قرار دادند و به بسیاری از کشفیات علمی دست یافته، از آن برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی بهره گرفته‌اند. بنابراین، اسلام همواره با تأکید بر علم‌گرایی و علم‌جویی، علم را مقدمه عمل و مدیریت بر علم را مقدم بر علم می‌داند. امیرالمؤمنین(ع) نیز به عنوان تنها حاکمی که سیره حکومتش پس از پیامبر(ص) در سایه احکام الهی رنگ عمل به خود گرفته و با مدیریت بر آن و اتخاذ سیاست‌های علمی و صحیح توجه خاصی به مسئله علم داشته و جامعه همسو با علم و اندیشه را زمینه‌ساز تحقق اقتصاد مقاومتی در آن جامعه می‌داند (پوریانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴).

بنابراین، امروزه ایجاد بسترهای ترویج علم و علم‌گرایی با مدیریت مناسب در پیشرفت و تکامل بشری نقش اساسی و انکارناپذیری دارد و توجه فراوان حضرت به علم و دانش و بیان اهمیت آن و لزوم وادارکردن آن در زندگی فردی، اجتماعی و اداره جامعه از اصول واضح و انکارناپذیر اندیشه‌های امیرالمؤمنین(ع) است، به‌طوری که ایشان همواره مردم را در فراگیری علم و دانش برای افزایش بهره‌وری و کارایی آن‌ها در جهت اصلاح و آبادانی دعوت می‌کرد تا از اقتصاد مقاوم و استواری در برابر تحریم‌ها و... برخوردار باشند و در این زمینه می‌فرمایند: «ای بندگان خدا به نادانی‌های خود تکیه نکنید و تسلیم هوای نفس خویش نباشید که چنین کسی بر لبه پرتگاه قرار دارد و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می‌کشد... پس در فراگیری علم و دانش پیش از آن که درختش بخشکد تلاش کنید» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷).

آنچه از سیاق فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) در مورد علم و دانش برمی‌آید، علم تنها حد محدودی از دانایی و آگاهی در سطح فردی نیست، بلکه منظور علم و دانش به معنای کلان آن در رشته‌های مختلف مطابق با اصول علمی در جهت به‌کارگیری آن برای اصلاح و آبادانی کشور است تا بتواند به کمک علم، نوآوری و فناوری را در جامعه به جریان بیندازد تا از این طریق

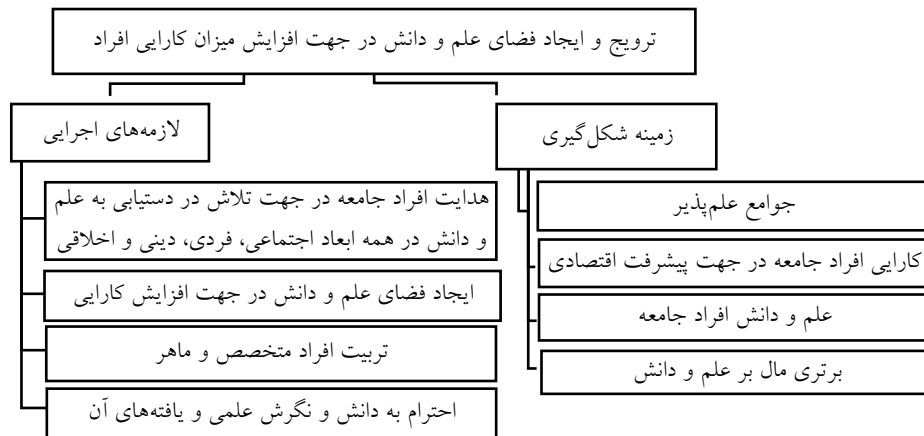
وابستگی به کشورهای دیگر را کاهش داده و خوداتکایی را به ارمغان بیاورد چرا که در پی به‌کارگیری از ابزارهای صحیح علمی در این راستا علم و دانش ترویج و بسترهای به‌کارگیری این عوامل در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری و استقلال اقتصادی و... استفاده می‌شود و در پی آن مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی که به دنبال ترویج و ایجاد فضای علم و دانش حاصل می‌شود و اقتصاد در برابر فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید ناگهانی بدون تغییر خواهد بود و روند پیشین خود را طی خواهد کرد. بنابراین، امیرالمؤمنین(ع) بالاترین ارزش را برای علم و دانش قائل بوده و درباره ارزش علم می‌فرمود: «علم بالاترین شرف و برتری است» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۴۱) و همچنین در جایی دیگر خطاب به کمیل می‌فرماید: «دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است و مال را تو باید نگهبان باشی مال با بخشش کاستی پذیرد، اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد...» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۷۱).

در حقیقت، آن حضرت از لازمه‌های اجرایی برای دستیابی به جامعه‌ی علم‌گرا، سپردن بخش‌های مختلف جامعه به طور کامل به دست علم و هدایت صحیح و علمی آن در همه ابعاد اجتماعی، فردی، دینی و اخلاقی است و در این زمینه می‌فرماید: «اصلاح امور در راست کردن کژی‌ها در انسان و جامعه از وظایف و آثار و نتایج علم است» (پوریانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴). بنابراین، ایجاد فضای مدیریتی مناسب برای علم و دانش در جهت افزایش میزان کارایی افراد یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی است که امیرالمؤمنین(ع) در منشور حکومتش یکی از اهداف حکومت خود را فراهم کردن فضای علم و دانش در جامعه و تربیت مردم با تخصص و ماهر می‌داند و یکی از حقوق مردم بر حاکم را، تعلیم و تربیت آن‌ها دانسته و بیان می‌فرماید: «شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید، و آداب آموزم تا بدانید» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۶۱). بنابراین، از وظایف بسیار مهم حکومت در قبال افراد جامعه، آموزش آن‌ها و به نوعی تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص است که آن را در مسیر نیل به اهداف یاری کند. در نهایت، می‌توان بدین‌گونه جمع‌بندی کرد که مهم شمردن نقش سرمایه انسانی در پیشرفت کشور، سرمایه‌گذاری در آن و نیز

فراهم کردن بستری برابر و عادلانه برای توزیع فرصت‌های آموزشی، علاوه بر آنکه جامعه را در پیشبرد اهدافش به سمت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی یاری می‌رساند، موجب می‌شود افراد نیز پی به توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود ببرند و در مسیر قرب الهی حرکت کنند (شاه‌آبادی و زرین‌نعل، ۱۳۹۸، ص ۸۱۹).

بنابراین، در عصر امیرالمؤمنین(ع) بدیهی است علم و دانش، شرایط مبارزه با جهل، کوتاه‌بینی، ظاهرنگری، سطحی‌نگری و ساده‌لوحی اجتماعی که زمینه آسیب‌پذیری جامعه را فراهم می‌آورد، مسئله‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز بوده است که یکی از زیرساخت‌های مهم و سرنوشت‌ساز اشتغال و تولید، تربیت نیروی انسانی کارآمد و با بهره‌وری بالا است. هر مقدار که نظام تعلیم و تربیت پیشرفته‌تر باشد و با اعمال سیاست‌های مدیریتی مناسب به طور علمی مدیریت گردد، استعداد‌های مختلف افراد جامعه شکوفاتر و در نهایت، کارآفرینی و ایجاد شغل‌های کیفی و جدید بیشتر خواهد بود و زمینه بیشتری برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم خواهد شد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵). آنچه در حکومت امیرالمؤمنین(ع) به اصل حیاتی و سرنوشت‌ساز تصریح شده، این است، «هر کاری باید به کسی که متخصص آن است واگذار شود... و عاملانی این چنین را در میان کسانی جست‌وجو کن که تجربه و حیاء دارند، از خانواده‌هایی پارسا و سابقه‌دار در اسلام» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۱). در واقع، کارگزارانی می‌توانند، مسئولیت مدیریت را به عهده گیرند و در جهت پیشرفت اقتصادی حرکت کنند که هم تجربه و هم صداقت و درستکاری دارند. بنابراین، علم‌گرایی از منظر امیرالمؤمنین(ع) نیز از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است که علاوه بر حاکمیت علم در اداره اجزای مختلف نظام، باید فرهنگ علمی نگرش علمی و احترام به دانش و یافته‌های آن با مدیریت صحیح در تمام سطح جامعه حاکم گردد که با تحقق این نگرش، اقتصاد مقاومتی اتفاق بیفتاد (شاه‌آبادی و زرین‌نعل، ۱۳۹۸، ص ۸۱۷). بنابراین، طبق بیانات امیرالمؤمنین(ع) زمینه شکل‌گیری و لازمه اجرایی ترویج و ایجاد فضای علم و دانش در جهت افزایش میزان کارایی افراد در قالب نمودار سازمانی شکل ۴ گردآوری شده است.





شکل ۴. ترویج و ایجاد فضای علم و دانش در جهت افزایش میزان کارایی افراد (برگرفته از نهج البلاغه)

#### ۴. فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد در جهت رفاه اقتصادی

دو محور اصلی این راهبرد از پیشرفت اقتصادی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی است که از یک‌سو به ایجاد امنیت، تقویت رفاه اقتصادی، احقاق حق مظلومان، تحقق عدالت در جامعه، حاکمیت قانون و در نهایت تکامل معنوی انسان‌ها و تقرب به درگاه الهی منجر می‌شود و از سوی دیگر، نیروی کار با تأمین نیازهای اساسی می‌تواند توجه بیشتری به آموزش، تغذیه و... داشته و از این جهت در راستای تبدیل استعدادهای بالقوه به بالفعل حرکت نمایند چرا که بدین طریق، زمینه برای عدالت و تعالی انسان فراهم می‌شود و هر شخص بدون داشتن دغدغه تأمین مالی در زمینه مسائل آموزشی و نیازهای اساسی متناسب با تلاش به هدفش دست می‌یابد. بنابراین از کانال رفع فقر و توزیع عادلانه درآمد می‌توان به اقتصاد دانش‌بنیان توجه داشت و از این منظر جامعه و اقتصادی مقاوم‌تر داشت، زیرا با کاهش نگرانی افراد جامعه در خصوص فقر، توجه آنان به سمت دانش سوق می‌یابد و جامعه بر مبنای دانش بنا می‌شود و اقتصاد

را در برابر فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید مقاوم‌تر می‌کنید و بدین ترتیب اقتصاد جامعه در برابر نوسانات و رویدادها کمترین عکس‌العمل را نشان می‌دهد. بنابراین، پیوند فقر اقتصادی با مهم‌ترین موانع توسعه ملی از جمله وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی، نبود شایسته‌سالاری در انتصابات، نابرابری‌های درآمدی و نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی بیان‌کننده آن است که فقر و تنگدستی با تک‌تک این عوامل و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه وثیق در جهت شکل‌گیری دارد که در احادیث فراوانی نیز از فقر مالی و اقتصادی به خداوند پناه برده شده و این نشان‌دهنده آن است که شرف فقر اقتصادی زیاد است. در این زمینه امیرالمؤمنین(ع) در حدیث ۵۸ بحارالانوار خطاب به امام حسن(ع) می‌فرماید: (ای فرزندم) انسانی را که به دنبال به‌دست‌آوردن غذای خویش است، سرزنش مکن زیرا کسی که قوت و غذایش فراهم نباشد، خطا و لغزشش زیاد است (مجلسی، ۱۱۱۰-۱۰۳۷هـ.ق، ج ۷۲ و ۷۳، ص ۵۹) و در جای دیگر آمده است، کسی که به فقر مبتلا شد، به کمی حیا و آبرو نیز مبتلا می‌شود (مجلسی، ۱۱۱۰-۱۰۳۷هـ.ق، ج ۷۲ و ۷۳، ص ۵۹). به بیان دیگر، فقر علاوه بر اینکه زمینه را برای ایجاد بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان فراهم می‌کند، بلکه به ضعف تعیین، نقصان عقل، سستی دین و کم‌حیایی منجر می‌شود که در همه زمان‌ها مطرود و مورد تنفر بوده و به ریشه‌کن شدن آن در جهت دستیابی به اقتصاد مقاومتی توجه شده است، زیرا فقر و تنگدستی افراد جامعه را در برابر تحریم‌ها و تهدیدهای اقتصادی سست می‌کند و منجر می‌شود افراد در برابر آن عکس‌العمل نشان داده و به دنبال آن، کشور از نظر اقتصادی وابسته بوده و قدرت خوداتکایی نداشته باشد.

از ویژگی‌های بارز حکومت امیرالمؤمنین(ع) طبق نمودار سازمانی شکل ۵ در راستای لازمه‌های اجرایی این راهبرد از پیشرفت اقتصادی برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی، خدامحوری، عدالت‌طلبی در جهت توزیع عادلانه درآمد، مردم‌داری، وفای به عهد و پیمان، اصلاح‌طلبی، دقت در انتصابات بر محوریت شایستگی، مبارزه بی‌امان با مفاسد اخلاقی و اجتماعی، دوری از تشریفات و خان‌سالاری، نظارت مستقیم بر مصرف بیت‌المال، ایجاد امنیت و آزادی در جامعه است که زمینه را برای رفع فقر اقتصادی در جهت دستیابی به اقتصاد مقاوم و استوار در برابر سختی‌ها و فشارهای اقتصادی از جانب کشورهای دیگر فراهم می‌کند.

امیرالمؤمنین(ع) توزیع ناعادلانه درآمد را به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهم در ایجاد فقر اقتصادی و از لازمه‌های اجرایی در جهت رفع آن مطرح کرد و هدف از اجرای آن را تقویت رفاه عمومی و اقتصادی، احقاق حق مظلومان و تحقق عدالت در جامعه می‌داند. در همین راستا، امیرالمؤمنین(ع) در یکی از سخنانشان خطاب به عبدالله بن زمه که از امام درخواست مالی داشت، می‌فرماید: «این اموال که می‌بینی، نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گردآمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی، و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). همچنین، امیرالمؤمنین(ع) درباره وجود آمدن فقر اقتصادی در حکمت ۳۲۸ می‌فرماید: «خداوند سبحان روزی فقیر را در اموال توانگران مقرر داشته، پس هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه توانگری حق او را بازداشته است و خداوند تعالی توانگران را بدین سبب بازخواست می‌کند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۵). مفهوم کلام امیرالمؤمنین در این حکمت، بیان لازمه‌های اجرایی در جهت رفع فقر و تنگدستی است که نخست، توانگران و ثروتمندان مسئول تأمین نیازهای فقیران هستند، زیرا خداوند در اموال ایشان حقوقی را برای فقرا مقرر داشته است که باید ادا کنند. دوم، وقتی که توانگران مانع رسیدن این حق به مستحقان می‌شوند، فقر اقتصادی در جامعه به وجود می‌آید.

بنابراین، می‌توان دریافت، توزیع ناسالم ثروت و درآمد از علل اساسی فقر اقتصادی و تحقق نیافتن اقتصاد دانش‌بنیان است. علاوه بر آن مجموعه جامعه، نظام و حکومت عامل دیگری است که در ایجاد فقر اقتصادی نقش اساسی دارد. از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) نیز در جامعه اسلامی اگر افراد از زندگی شرافتمندانه بی‌بهره باشند، این به دلیل کوتاهی حکمرانان در انجام دادن وظیفه است، زیرا تأمین معیشت افراد جامعه تنها به عهده حکومت اسلامی است، علاوه بر آن، حاکمان باید دقت لازم را در انتصابات کارکنان با محوریت شایستگی داشته باشند و با مفاسد اخلاقی و اجتماعی مبارزه کنند و از تشریفات و خان‌سالاری با نظارت مستقیم بر مصرف بیت‌المال دوری جویند و فضا را برای ایجاد امنیت و آزادی در جامعه فراهم کنند تا زمینه‌های فقر اقتصادی و کاهش شأن انسانیت ریشه‌کن گردد تا زمینه را برای داشتن اقتصادی مقاوم فراهم کنید، همان‌طور

که آن حضرت در فرمان تاریخی‌اش به مالک اشتر در نامه ۵۳ نیز بر این موارد تأکید کردند. بنابراین، فقر اقتصادی یکی از غم‌انگیزترین مصیبت‌ها در جامعه بشری، دامن‌گیر انسان‌ها شده و تلاش‌های بشریت در طول تاریخ دست‌به‌دست هم داده‌اند، تا این آفت را ریشه‌کن کنند، ولی علیرغم این تلاش‌ها فقر به دلیل جاری‌نکردن لازمه‌های اجرایی امیرالمؤمنین(ع) همچنان باقی است و تا به امروز قربانیان زیادی را از جوامع بشریت در کام خود فرو برده است و بدین ترتیب وابستگی و خوداتکایی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است.



شکل ۵. فقرزادایی و توزیع عادلانه درآمد در جهت رفاه اقتصادی (برگرفته از نهج‌البلاغه)

## ۵. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یکی از مهم‌ترین راهبردهای پیشرفت اقتصادی برای تحقق اقتصاد مقاومتی است که هر زمان گروهی از مردم برای نیل به یک هدف گرد هم آیند، نیاز به آن احساس

می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۹، ص ۵). امیرالمؤمنین (ع) در زمینه حکمرانی می‌فرمایند: «حکمران دادگر از باران پیوسته (که همه چیز را بارور می‌کند) بهتر است» (جعفری، ۱۴۰۱ هـ.ق، ص ۶۰). بنابراین، در فلسفه‌ای سیاسی اسلام تلاش بر آن است که جامعه از حکمرانی خوبی برخوردار باشد، زیرا تحقق این نوع از حکمرانی، ارتباط مستقیمی با تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه بشری در جهت کاهش وابستگی به سایر کشورها دارد. امیرالمؤمنین (ع) هدف شکل‌گیری این نوع حکومت را گرفتن حق مظلومان از ظالمان و ستمگران برای اصلاح و آبادانی کشور و محقق‌شدن اقتصاد مقاومتی می‌داند و طی سخنرانی در کوفه، اهداف خویش را برای پذیرش حکومت چنین بیان می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت، و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را در جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و آمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا شود» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵).

ایشان در نهج‌البلاغه، شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را به عنوان شش محور حکمرانی خوب برشمردند (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲، ص ۶) و طبق نمودار سازمانی شکل ۶ این ابزارها را از لازمه‌های اجرایی در دستیابی به پیشرفت اقتصادی دانستند و درباره شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر فرمودند: «بخشی از وقت خود را برای آنان که نیازمند مراجعه به تو هستند، قرار ده و شخصاً آنان را در جلسه‌ای عمومی به حضور پذیرفته... به محافظان و نیروهای مسلح خود اجازه حضور در آن مجلس را مده تا سخنگوی آنان بدون هیچ لکنتی در گفتار با تو گفت‌وگو کند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۴). مطابق با نگرش امیرالمؤمنین (ع)، مردم باید بتوانند بدون هیچ‌گونه مانعی با حاکمان ملاقات کنند و مشکلات و نیازهای خود را در جهت بهبود وضعیت اقتصادی افراد جامعه با وی در میان بگذارند تا منجر به قرب الهی و بهبود وضع معیشتی افراد جامعه شوند و بتوانند با تقویت این شاخص اقتصاد مقاومتی را تحقق ببخشند. امیرالمؤمنین (ع) در نامه خود به مالک اشتر اهمیت ثبات سیاسی در اقتصاد مقاومتی را اینگونه بیان داشته‌اند: «هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خوشنودی خدا در آن است، رد مکن، که

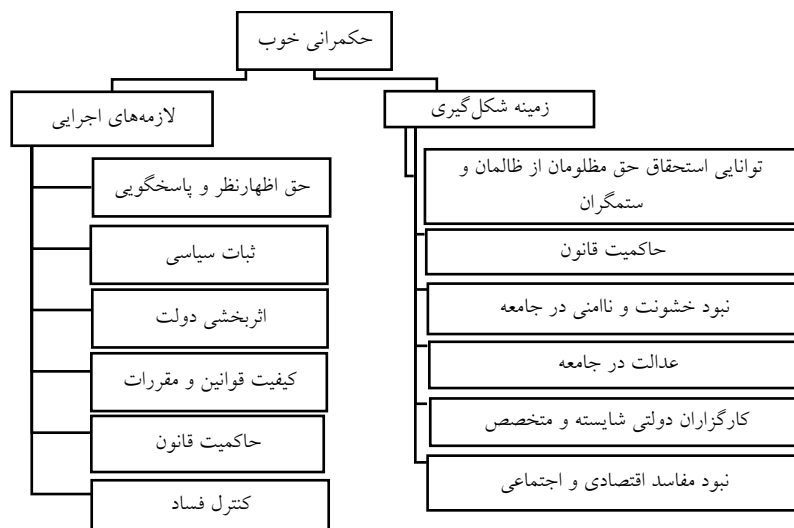
آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت و رفاه کشور در صلح تأمین می‌شود» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۷). در حقیقت، این نامه حضرت بیان‌کننده توسل به صلح و راه‌کارهای مسالمت‌جویانه و بی‌تمایل به درگیری و نزاع است که خونریزی و خشونت را موجب کیفر الهی و سبب زوال نعمت و کوتاهی عمر حکومت معرفی می‌کنند و این فضا را برای تضعیف وضعیت رفاه و پیشرفت اقتصادی افراد جامعه بسیار خطرناک می‌دانند که از این رهگذر می‌توانند جامعه را در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی به دور دارد، حتی به تأخیر در تحقق آن منجر شود.

با توجه به جایگاه اثربخشی دولت در تحقق بخشیدن به اقتصاد مقاومتی امیرالمؤمنین(ع) خطاب به مالک اشتر فرمودند: «در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۱). زیرا از منظر امیرالمؤمنین(ع) کارگزاران دولتی مؤمن و متخصص با حرکت در مسیر حق و پیش‌بینی آینده راه را برای ورود پدیده فقر مالی و اقتصادی به جامعه را بسته و زمینه رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم را فراهم می‌کند و بدین طریق جامعه را از تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی مصون می‌دارند، زیرا دولت کارآمد با پیش‌بینی این وضعیت‌ها همواره بهترین عملکرد را در راستای داشتن اقتصاد مقاوم خواهد داشت.

از راهبردهای دیگر پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، کیفیت قوانین و مقررات و قانون‌گرایی است، امیرالمؤمنین(ع) عدالت و اجرای قانون را برترین اصلاح در جهت رفع فقر و رسیدن به اقتصاد مقاومتی می‌داند، زیرا ضعف‌ها، ناکارآمدی‌ها و... همه ناشی از خروج امور از موضع خود است. بنابراین، با وضع قوانین هیچ صاحب حقی از تباه شدن حقتش نخواهد ترسید و هیچ زورمندی در سایه زر و زور خویش نخواهد توانست از چنگ قانون بگریزد و بدین ترتیب، با تأثیر بر دیدگاه جامعه آن‌ها را راغب‌تر کرده است تا در جهت پیشرفت اقتصادی و در نهایت، دستیابی به اقتصاد مقاومتی گام بردارند. همچنین امیرالمؤمنین(ع) در زمینه پیشنهاد رشوه

می‌فرماید: «آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی... به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۹).

همچنین، امیرالمؤمنین (ع) با رفتار فسادگونه کارگزاران که به فقر اقتصادی افراد جامعه منجر می‌شود و دستیابی به اقتصاد مقاومتی را به تأخیر می‌اندازد، همواره مبارزه کرده و خطاب به والی بصره در خصوص نقش حاکمان در مقابله با فساد نوشتند: «به خدا قسم، اگر بفهمم در اموال مسلمانان خیانت کرده‌ای چه کم و چه زیاد، آنچنان بر تو سخت خواهم گرفت که اندک مال و تنگ‌دست شوی و خوار و پریشان حال شوی» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).



شکل ۶. حکمرانی خوب (برگرفته از نهج البلاغه)

## ۶. مدیریت بر سرمایه و اعتدال در تجارت

دو محور اصلی این راهبرد سرمایه‌گذاری و تجارت است که با ایجاد فضا برای سرمایه‌گذاری، زمینه برای تجارت را نیز فراهم می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) بر انواع مختلف سرمایه از قبیل سرمایه

فیزیکی، انسانی، مالی و اجتماعی اشاره کرده، و همواره مدیریت بر هر نوع از این سرمایه‌ها را تأکید داشته و نقش سرمایه اجتماعی را در این بخش از راهبرد پرننگ بیان کرده‌اند، زیرا سرمایه اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین(ع) به ترویج فعالیت‌های گروهی، رشد و گسترش اعتماد در بین کارکنان و مدیر، تسهیم، تسهیل و گردش شفاف اطلاعات در سازمان و بین کارکنان، ایجاد یکپارچگی و صداقت در میان اعضا و ارائه سازوکارهایی برای بهبود مدیریت عملکرد گروهی؛ زمینه‌سازی برای توسعه سرمایه‌های غیرمادی در سازمان و افزایش تعهد اعضا و کارکنان سازمان در قبال مصالح کارشناسی‌شده سازمان، جسارت اعضا در پذیرش ریسک با توجه به اجرای کار تیمی و روابط مبتنی بر اعتماد و افزایش خلاقیت و نوآوری در راستای دستیابی اقتصاد مقاومتی منجر می‌شود، زیرا توجه به این اصول راهبردی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده است و زمینه را برای مدیریت صحیح و علمی، سایر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مالی نیز فراهم می‌کند.

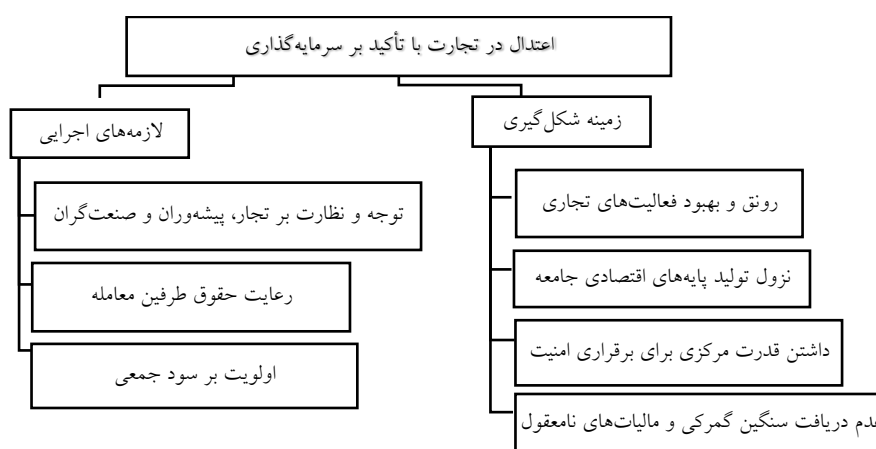
بنابراین، مدیریت امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان یک مدیر نمونه و الهی سرشار از توجه به سرمایه‌های اجتماعی بوده که به پیدایش مدیریت ارزشی مبتنی بر شناخت و محبت منجر می‌شود، مؤلفه‌هایی مثل تقوای الهی، عدالت و انصاف، تواضع، پرهیز از خودپسندی، گشاده‌رویی، که همگی به شبکه ارزشمندی از گروه‌های انسانی مرتبط با یکدیگر منجر می‌شود، که اگر مدیر خود را متصل به دریای بیکران حق بداند، باید در مقام عمل زیردستان خود را به عنوان بندگان حق بنگرد؛ ابتدا با اهرم جذب و محبت اعمال مدیریت کند، زیرا اولین مرحله ایجاد سرمایه اجتماعی و مؤلفه مهم آن، یعنی اعتماد از طریق برقراری رابطه محبت‌آمیز بین مدیران و کارکنان است، سپس، با به‌کارگیری صداقت و شفافیت بر قلوب آنان حکومت کند؛ زیرا عشق و محبت قبل از قوانین حاکم بر روابط انسانی، ضامن انسجام اجتماعی و اجرای قوانین است. اگر ارتباطات بر پایه محبت و برای خیر و سودرسانی به دیگران باشد، می‌تواند به بالاترین سطح اثربخشی از سایر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مالی دست یابد، به تفسیری، عامل همبستگی اجتماعی بین مدیر و نیروی انسانی به عنوان راهبرد پیشرفت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است.



همچنین، تجارت و بازرگانی نیز نقش عمده‌ای در شکوفایی اقتصاد یک جامعه در جهت دستیابی به اقتصاد مقاوم و پایدار دارد، امیرالمؤمنین(ع) درباره جایگاه و نقش تجارت می‌فرماید: «به تجارت بپردازید، زیرا شما را از مردم بی‌نیاز می‌کند، بنابراین، ایشان بیان می‌دارند، رونق فعالیت‌های تجاری، پیشرفت اقتصادی را نیز به دنبال دارد و زمینه شکل‌گیری اعتدال در تجارت، نبودن راه‌های تجاری و بازرگانی مناسب، ناامنی در راه‌ها، فقدان قدرت مرکزی برای برقراری امنیت در کشور و عوارض سنگین گمرکی و مالیات‌های نامعقول در راه‌ها و گذرگاه‌ها است که مبارزه با این آفت و رفع این مشکلات میدان تجارت را گسترش و اقتصاد کشورها را به سمت شکوفایی هدایت می‌کند» (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۱).

همچنین، در نمودار سازمانی شکل ۷ لازمه‌هایی اجرایی اعتدال در تجارت امیرالمؤمنین(ع) بیان شده است. از زمانی که امیرالمؤمنین(ع)، به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند، نسبت به تاجر، پیشه‌وران و صنعت‌گران توجه خاصی نشان داد و بر کار آن‌ها نظارت می‌کرد و به استناداران خود سفارش آنان را می‌کرد، زیرا می‌دانست که غفلت از تاجر و صنعت‌گران باعث پریشانی کشور و امت اسلامی خواهد شد. امیرالمؤمنین(ع) به این امر مهم توجه کرده و از آفت‌هایی که تجارت و صنعت را به خطر می‌انداخت، جلوگیری می‌فرمود، بنابراین، خود شخصاً در کوچه و بازار حاضر می‌شد، و با صدای بلند نقاط ضعف کار کسبه و پیشه‌وران را گوشزد می‌کرد «پس از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد...» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۸۱). از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) تجارت و کسب و کار شغلی مفید و ارزشمند برای جامعه است، اما مانند هر حرفه‌ای ممکن است باعث اجحاف بر عامه مردم شود؛ بنابراین، ضمن تقدیر از تاجر مؤمن باید از هرگونه سوء استفاده مالی تاجر جلوگیری به عمل آورد. امیرالمؤمنین(ع) بر این نکته تأکید کردند که در مبادلات باید رعایت حقوق طرفین معامله و عدل و انصاف و عدم تعدی حاکم باشد، نه اینکه مبادله وسیله‌ای برای استثمار و ایجاد سود غیرمعارف باشد و انگیزه تجارت و تولید نباید سودطلبی باشد، بلکه تأمین نیازمندی افراد جامعه مهم‌ترین اولویت در امر تجارت است. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «مهم‌ترین مردم کسی است که به دیگران سود برساند» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۹۰). بنابراین، سودگرفتن مؤمن از شخص مؤمنی که برای مایحتاج زندگی

خرید و فروش می‌کند در اسلام مکروه است و به همین علت اسلام اجازه نمی‌دهد که بازرگانان از طریق تجارت به سودهای هنگفت و نجومی دسترسی پیدا کنند و بدین طریق با مسدود کردن راه‌های نامشروع در کسب‌وکار و تجارت زمینه را برای افزایش انگیزه فعالان اقتصادی برای حضور در عرصه اقتصاد در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کنند.



شکل ۷. اعتدال در تجارت با تأکید بر سرمایه‌گذاری (برگرفته از نهج البلاغه)

#### ۷. ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات

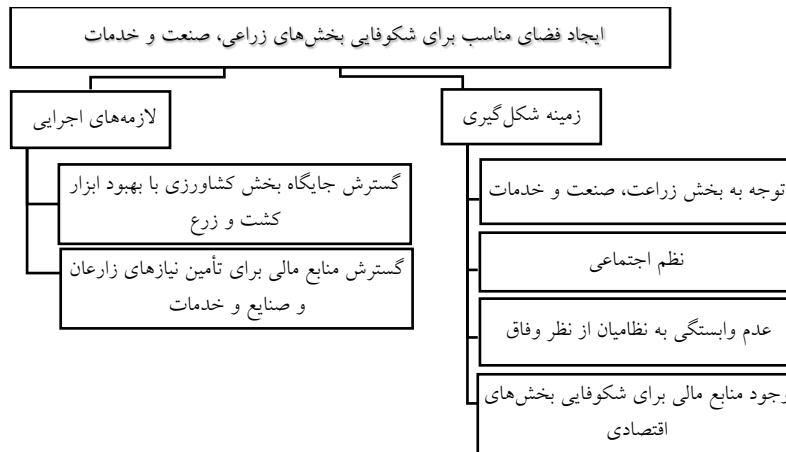
از منظر امیرالمؤمنین (ع) جامعه از طبقات مختلفی تشکیل شده است که این طبقات عبارت‌اند از نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام، بازرگانان، صاحبان صنعت و محرومان و ناتوانان (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۳). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مردم معاش خود را از چند راه تأمین می‌کنند: پُست‌های دولتی، کارهای عُمرانی و کشاورزی، تجارت، اجاره و صدقات...» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴).

در زمینه زراعت و کشاورزی، خداوند متعال می‌فرماید: اوست که شما را پدید آورد و به عمران و آبادی دعوت کرده است (صفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹). از آن رو، خداوند متعال انسان‌ها را به عمران و آبادانی زمین امر کرد تا از بهترین راه تأمین معاش کند (قریب، ۱۳۷۰، ج ۱۲، ص ۱۹۵).

امیرالمؤمنین (ع) نیز همواره به عمال و کارمندان سفارش کشاورزان را می‌کردند... (قریب، ۱۳۷۰، ج ۱۲، ص ۲۱۶). در حقیقت، فرمایشات حضرت در عمل بیان‌کننده آن است، کشاورزی از مهم‌ترین و مؤثرترین طبقات جامعه در زندگی اجتماعی است، زیرا رسالت تولید و تهیه مواد غذایی کشور به عهده این بخش است و توده عظیمی از نیروهای انسانی در این بخش مشغول به کار و از این بخش مایحتاج زندگی خود را فراهم می‌کنند. بنابراین پیشرفت بخش کشاورزی با افزایش بهره‌وری می‌تواند پس‌انداز لازم را برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و خدمات با ایجاد فضای کار فراهم کند و با تهیه کالاهای صادراتی جهت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در راستای انتقال نوآوری اقدام کند تا بتواند فضا را برای ایجاد اقتصاد مقاومتی بدین طریق فراهم کند، زیرا بهبود بخش کشاورزی و استقلال آن بر دنیای خارج، کشور را در برابر تهدیدهای اقتصادی مقاوم کرده و منجر می‌شود در شرایط حاد اقتصادی بتواند تقاضای مواد غذایی کشور خود را تأمین کند تا در راستای خوداتکایی اقتصادی و ارتقا و بهبود وضعیت کشور به سمت کاهش وابستگی به دنیای خارجی کاهش یابد تا فناوری و نوآوری در کشور ظهور کند و رفاه افراد جامعه افزایش یابد، علاوه بر آن، این بخش قادر است با بالابردن سطح محصولات، تقاضا برای کالاهای صنعتی ایجاد کند و بدین طریق، بخش صنعت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، امیرالمؤمنین (ع) مطابق با نمودار سازمانی شکل ۸ حمایت بخش کشاورزی را از لازمه‌های اجرایی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند و می‌فرمایند: «پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی... در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف‌دادن در خراج تو را نگران نکند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۳).

امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۳ نقش صنعت و بازرگانان را اینگونه بیان می‌کنند: «کار این جمله (سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان) استوار نشود، جز با بازرگانان و صنعتگران که جمع می‌شوند و با سودی که به‌دست می‌آورند، بازارها را برپا می‌دارند، و کار مردم را کفایت می‌کنند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴). در حقیقت، اثر وجودی صنعتگران این است که با کمک‌گرفتن از فکر و بازوی خود، مصنوعات از کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی می‌کنند که دیگران توان

انجام‌دادن آن را ندارند و فلسفه وجودی بازرگانان، این است که این مصنوعات را به بازارهای مصرف می‌رسانند و در نتیجه، چرخه تولید را استمرار می‌بخشند و با اتکا بر خود اقتصاد را مقاوم و استوار در مقابل تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی می‌دانند. بدین سبب مطابق با سخنان امیرالمؤمنین(ع) می‌توان بیان داشت، بخش صنعت در مقایسه با سایر بخش‌های مولد اقتصادی به بخشی رهبری‌کننده در عرصه اقتصاد مبدل شده که رشد آن، قدرت عوامل تولید را به صورت مستمر با توجه به توسعه روزافزون علم و فناوری افزایش می‌دهد و موجب افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات کالایی می‌شود و از طریق افزایش در کمیت و بهبود کیفیت کالاها سبب ارتقای ارزش افزوده و در نهایت، افزایش تولید ملی و رفاه بیشتری را عاید کشور می‌کند که از این طریق موجب رونق بازار کار و اشتغال شده و درآمد طبقه کارگر را بهبود می‌بخشد، و از این رهگذر باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد در جامعه می‌شود و با کمک به سایر بخش‌های اقتصادی و ارتقاء بهره‌وری آنها وضعیت درآمدی و رفاه جامعه را بهبود بخشیده و موجب پایه‌ریزی نظام اقتصادی- اجتماعی عادلانه می‌شود و بدین ترتیب اقتصاد مقاومتی را محقق می‌کند. همچنان امیرالمؤمنین(ع) نقش خدمات را در تحقق اقتصاد مقاومتی نادیده نگرفته‌اند و بر این باورند، صاحبان صنعت، کشاورزان و قضات از نظر امنیت، وابسته به نظامیان از نظر وفاق، نظم اجتماعی، زمینه‌سازی قراردادها و اجرای آن‌ها می‌باشند، به طوری که امام در فراز دیگری به اثر وجودی قضات، کاتبان خاص و عام (هیئت وزیران و معاونان) کارمندان، بازرگانان، صاحبان صنعت تصریح فرموده‌اند و با تأکید و توصیه درباره آنان می‌فرمایند: «دیگر این که نیکی به بازرگانان و صنعتگران را بر خود بپذیر و سفارش کردن به نیکویی درباره آنان را به عهده گیر، چه آنان که در شهر و ثابت هستند و چه آنان که با مال خود از این سو بدان سو روند و با دسترنج خود کسب کنند، آنان مایه منفعت‌اند» (نظری، ۱۳۸۵، ص ۴۱۵). بنابراین، با توجه به سازوکار اثرگذاری بخش زراعت، صنعت و خدمات در پیشرفت اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی، از لازمه‌های اجرایی برای فراهم کردن فضا برای گسترش آن می‌توان به تأمین منابع مالی برای نیازهای زراعت، صنعت و خدمات اشاره کرد.



شکل ۸. ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی بخش‌های زراعی، صنعت و خدمات (برگرفته از الهام از نهج البلاغه)

### نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی از جمله مباحثی است که با توجه به جایگاه آن در بهبود وضع معیشتی مردم و در نهایت، قرب الهی، همواره راهبرد دستیابی به آن در کشورهای اسلامی به ویژه ایران بیان شده است. طبق سیره عملی امیرالمؤمنین(ع) هفت راهبرد اخیر بیان‌شده از جمله اصول راهبردی است که برای اصلاح و آبادانی کشورها و تحقق اقتصاد مقاومتی باید همه در تعامل با یکدیگر باشند، زیرا هر یک از راهبردها قطعات پازل در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است. امیرالمؤمنین(ع)، اندیشمند و پیشوای برجسته شیعیان و امت اسلامی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، اصول راهبردی پیشرفت اقتصادی را با درایتی واقع‌بینانه ترسیم می‌کنند. حکومتی که عدالت اقتصادی اجرا کند، نظارت و برنامه‌ریزی توسط حاکمان برای مدیریت اقتصادی اعمال شود و جامعه در جهت توزیع عادلانه ثروت و محرومیت‌زدایی گام بردارد، افراد جامعه در جهت افزایش رفاه و میزان بهره‌وری به سمت علم و دانش سوق یابند و حکمرانان با حکمرانی خوب برای گسترش و شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه حداکثر تلاش خود را انجام دهند، شرایط برای اصلاح و آبادی کشور و دستیابی به اقتصادی پایدار و استوار برای مقابله با تهدیدها، تحریم‌ها و

بلاایای طبیعی فراهم می‌شود. بنابراین، ضروری است کشورهای اسلامی با الگوگیری از دستورات الهی که نمونه کامل آن در سیره حکومت‌داری امیرالمؤمنین(ع) مشاهده می‌شود، در جهت پیاده‌سازی اصول راهبردی و تحقق اقتصاد مقاومتی اهتمام کنند که نقش حاکمان و زمامداران خوب در جهت دستیابی به آن بسیار پررنگ است، زیرا حاکمان با بهره‌گیری از مدیریت شایسته و کارآمد اقتصادی می‌توانند جامعه‌ای را بر مبنای عدالت اقتصادی بنا کنند و به توزیع عادلانه درآمد بپردازند و ریشه فقر و تنگدستی را از جامعه ریشه‌کن کنند و با مدیریت سرمایه به ویژه اجتماعی، اعتدال در تجارت و ایجاد فضای مناسب علم و دانش به افزایش سطح فناوری کشور در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی منجر شوند. بنابراین، برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام باید کشورهای اسلامی اصول راهبردی امیرالمؤمنین(ع) را شناخته و به‌منظور تحقق اصلاح و آبادانی کشور الگوبرداری کنند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. احمدی شادمهری، محمدطاهر، و رضاحیب، پورلداری (۱۳۹۶). نقش بهره‌وری بخش کشاورزی در تحقق اقتصاد مقاومتی. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت حیدریه، ۱۸ شهریورماه ۱۳۹۵.
۲. اسفندیاری صفا، خسرو، و حبیب‌الله، دهقان (۱۳۹۵). مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه اله تعالی). مدیریت نظامی، ۱۶ (۶۱)، ۸۴-۶۰.
۳. اسدی، علی (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲ (۵۴)، ۳۹-۲۵.
۴. آمدی تمیمی، بعدالواحد (۱۳۷۷). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه محمدعلی انصاری، تهران: انتشارات آرمان.
۵. آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۶۶). شرح غررالحکم. ترجمه شارح خوانساری، جمال‌الدین محمد، تهران: دانشگاه تهران.
۶. پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۰). توسعه از دیدگاه امام علی(ع). مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴، ۲۳۱-۲۰۹.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۴۰۱ هـ ق). حکومت حکمت، به نقل از ابوعبدالله محمد بن سلامه القضاعی. دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۸. دشتی، محمد (۱۳۸۹). نهج‌البلاغه. چاپ سوم، قم: نشر اندیشه ماندگار.
۹. راثی، نیره، و سیدجمال‌الدین، محسنی‌زنوری (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴ (۱۵)، ۱۳۲-۱۱۵.

۱۰. ستوده‌نیا، سلمان، محمد، دانش‌نیا، حسین، احمدی‌راد، فرنگیس، احمدی‌راد، و اعظم، قزلباش (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های پولی و مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶ (۲)، ۷۴۹-۷۳۰.
۱۱. سمیعی، ریحانه (۱۳۹۱). *بررسی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی از نگاه امام علی (ع)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، رشته علوم حدیث، گرایش نهج‌البلاغه، پردیس تهران.
۱۲. شجاعی حقیقی، مریم (۱۳۹۳). *تحلیل روایی مدیریت اقتصادی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه*. دانشگاه قرآن و حدیث (مرکز آموزش الکترونیکی).
۱۳. شاه‌آبادی، ابوالفضل، و زرین‌نعل، زینب (۱۳۹۸). تأثیر مؤلفه‌های دانش بر اقتصاد مقاومتی از منظر نهج‌البلاغه. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶ (۲)، ۸۲۳-۸۰۸.
۱۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل، حامد، صادقی، و امیری، بهزاد (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه انسانی بر نوآوری کشورهای منتخب سازمان توسعه همکاری اسلامی. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۸ (۷۰)، ۱-۲۲.
۱۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل، و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه. *فصل‌نامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۱ (۲)، ۱-۱۷.
۱۶. قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۹). *نگاه راهبردی به نظام مدیریتی و اداری کشور*. تهران: انتشارات نگارستان حامد.
۱۷. قریب، شیخ‌حر (۱۳۷۰). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریع*. جلد دوازدهم، تهران: مؤسسه آل‌البیت.
۱۸. قمی، شیخ‌عباس (۱۳۶۵). *منتهی‌الآمال*. جلد اول، چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
۱۹. کلینی، ثقه‌الاسلام (۱۳۷۹). *اصول کافی*. جلد پنجم، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۰. نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۵). *اصول راهبردی توسعه اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع)*. پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۷ و ۱۸، ۱-۹.



۲۱. مولایی، محمد (۱۳۹۳). اصول اخلاق تجاری و کسب و کار از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه. فصل نامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۲ (۷)، ۸۵-۱۰۱.
۲۲. مجلسی، محمدباقر محمدبن تقی (۱۰۳۷-۱۱۰ هـ ق). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه اطهار (ع). جلد های ۷۲ و ۷۳، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۲۳. محمدی سیاهبومی، حمیدرضا، صالحی، فرخنده، و قربانی پاجی، عقیل (۱۳۹۶). تحقق اقتصاد مقاومتی با استفاده از راهبرد مدیریت جهادی (مورد مطالعه: سازمان تأمین اجتماعی استان اصفهان). پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۵ (۳)، ۸۵-۱۱۳.